

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تصحیح روایت فرار عمر بن خطاب در جنگ احد
تصحیح روایت فرار عمر بن خطاب در جنگ احد

استاد سید عباس

خیمه گاه حضرت ابوالفضل ع

تنها اشکال اقایان عمریه به راوی ابوهاشم رفاعی هست و می گویند این شخص دارای ضعف هست

راوی أبو هشام الرفاعی ضعیف هست حال پاسخ ما چیست؟

اولا که ابوهاشم از روات صحیح مسلم هست و طبق قواعد رجال عمریه روات صحیحین یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم همه ثقه هستند و روات آنها خردشان از پل رجالی گذاشته و هیچ جرحی بر آنها وارد نیست
الاسم : محمد بن یزید بن محمد بن کثیر بن رفاعه بن سماعه العجلی ، أبو هشام الرفاعی ، الکوفی (قاضی المدائن و بغداد)

الطبقة : ۱۰ : كبارالآخذین عن تبع الأتباع

الوفاء : ۲۴۸ هـ

روی له : م د ق (مسلم - أبو داود - ابن ماجه)

دقت بفرماید ایشان از روایت مسلم هست

حال می خواهیم مواردی که در مورد وثاقت روات مسلم هست رو بیان کنیم اول از همه این که مسلم و بخاری بنایشان بر این هست همه راویانشان ثقه باشند

وَأَمَّا اشْتَرَطَ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمُ الثَّقَّةَ وَالِاشْتِهَارَ

نام کتاب : الموضوعات لابن الجوزی نویسنده : ابن الجوزی جلد : ۱ صفحه : ۳۴

ثانیا عمریه قاعده دارند هر کسی در روات و طریق بخاری و مسلم باشد هیچ جرحی بر آنها وارد نیست
شمس الدین ذهبی در پاسخ به کسانی که اشکالاتی به أبان بن یزید العطار گرفته اند می گوید:

قلت هو جاز القنطرة واحتج به الشيخان وهو من طبقة همام.

از او پل گذشته است، زیرا بخاری و مسلم به روایت او احتجاج کرده اند و با همام در یک طبقه است.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ۷۴۸ هـ)، الرواء الثقات المتكلم فيهم بما لا يوجب ردهم، ج ۱، ص ۳۹، تحقيق: محمد إبراهيم الموصلي، ناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م.

پس تا اینجا دو دلیل برای وثاقت او ذکر شد

اما سومین دلیل این هست جرحی که اقایان می آورند مفسر نیست یعنی چی اقا؟

در رجال اهل سنت یک قاعده ای هست می گویند جرح بر هیچ راوی قبول نیست یعنی ما ضعف بر هیچ راوی قبول نمی کنیم مگر اینکه برای ضعفش دلیل آمده باشد مثلاً بگویم فلانی کذاب ، فاسقه، زنا کار هست اگر دلیل ضعف مثل آنچه ذکر شد علماً در مورد راوی ذکر کردن انوقت می گوئیم فلان روایتش باطله اما در مورد ابوهاشم چنین قاعده مطرح نشده این هم قاعده رجال اهل سنت در مورد اخذ قرح و جرح بر راوی

مذهب الجمهور: يُقْبَلُ التَّعْدِيلُ مَبْهَمًا وَلَا يُقْبَلُ الْجَرَحُ إِلَّا مَفْسَرًا.

علوم الحديث ص ۲۲۰، وفتح المغیث ۲۹۹/۱

پس جرحی هم که بر ابوهاشم خورده باطل هست

اما اقایان به قول خودشان یک جرح بر ابوهاشم می آورند که او یسرق الحدیث هست می گویند این دلیل بر جرح مفسر او هست و گوینده هم این شخص هست

وروی ابن عقده، عن مطین، عن ابن نمیر، قال: کان أبو هشام یسرق الحدیث.

در حالی که در رجال اهل سنت کسی که ابوهاشم را یسرق الحدیث خوانده خودش ضعیفه

ابن عقده: ضعیف الحدیث

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=10300>

پس ادعای یسرق الحدیث بودنش هم باطله

اما ما تا اینجا چند دلیل برای رد ضعیف بودن او آوردیم یک نکته دیگر هم بگویم بعد برویم سر توثیقات او

ذهبی در میزان الاعتدال در مورد او این چنین مکی گوید

۸۳۲۶ - [صح] محمد بن یزید [م، ت، ق]، أبو هشام الرفاعی الکوفی.

أحد العلماء.

الکتاب : میزان الاعتدال

من با بخش صح کار دارم

در رجال اهل سنت وقتی می گویند فلان راوی صح هست یعنی چی؟ ذهبی تو میزان اعتدال کنار اسم ابو هشام رفاعی می نویسه : صح

علمای عمریه میگویند صح یعنی کسی که دربارش بدگمانی کردند بدون اقامه دلیل و حجت (صح) یعنی: ممن تکلم فيه بلا حجة

لسان المیزان

خوب پس مشخص و ثابت شد تمامی جرح هایی که بر ابوهاشم خورده اصلا بدون ذکر دلیل هست یعنی کیلویی و دیمی هست و همش باطله و هیچ ارزشی نداره چون حجیت نداره

The screenshot shows a search interface on the 'Maktaba al-Shamela' website. The search results for 'ابو هشام رفاعی' are displayed in a list. The top result is highlighted in blue and contains the following text:

8325 - محمد بن يزيد العابد.
حدثنا محمد بن عمرو بن علقمة، فذكر خبرا موضوعا، هو آفته، في فضائل معاوية.
8326 - [صح] محمد بن يزيد [م، ت، ق] ، أبو هشام الرفاعي الكوفي.
أحد العلماء.
أخذ عن أبي بكر بن عياش، وابن فضال، والطبقة.
وعنه مسلم، والترمذي، وابن ماجه، والحايمي، وآخرون.
قال أحمد العجلي: لا بأس به.

Below the search results, there is a table with columns for 'متممات' (Supplements) and 'الكتاب' (Book). The table lists various books and their authors, including 'رواة التهذيبين', 'من نكح فيه وهو موثق ت أمير', 'سير أعلام النبلاء ط الورع', 'مشيخة النسائي = تسمية الشيوخ', 'أخبار الأئمة', 'میزان الاعتدال', 'تهذيب الكمال في أسماء الرجال', 'الطبقات الكبرى ط دار صادر', 'الإعلام للزركلي', and 'موسوعة أقال أبي الحسن دارالقطبي في رجال الحديث وعلله'.

اما بریم سر توثیقاتش

ما یک دلیل برای توثیقش ذکر کردیم یکی اینکه راوی مسلم هست و ثقه ، حالا ادله دیگر هم ذکر می کنیم

اولا روایات او را جناب بخاری دوران البانی تصحیح کرده

(سنن ابن ماجه)

۱۴۲۰ حدثنا أبو هشام الرفاعي محمد بن يزيد حدثنا يحيى بن يمان حدثنا الأعمش عن أبي صالح عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يصلى حتى تورمت قدماه فقيل له إن الله قد غفر لك ما تقدم من ذنبك وما تأخر قال أفلا أكون عبدا شكورا .

تحقيق الألبانى :

صحيح الروض أيضا ، المختصر (۲۲۲)

(سنن ابن ماجه)

۴۰۴۰ حدثنا هناد بن السرى وأبو هشام الرفاعي محمد بن يزيد قالوا حدثنا أبو بكر بن عياش حدثنا أبو حصين عن أبي صالح عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بعثت أنا والساعة كهاتين وجمع بين إصبعيه .

تحقيق الألبانى : صحيح

(سنن ابن ماجه)

۱۵۰۴ حدثنا أبو هشام الرفاعي ومحمد بن الصباح وأبو بكر بن خلاد قالوا حدثنا يحيى بن اليمان عن المنهال بن خليفة عن حجاج عن عطاء عن ابن عباس أن النبي صلى الله عليه وسلم كبر أربعاً .

تحقيق الألبانى :

صحيح الأحكام (۱۱۱)

خوب دوستان همین جا یه نکته ال محل بحث هست ما یکی از ادله ای که برای توثیق ابوهاشم می اوریم تصحیحات البانی هست که عمری برای رد کردن ان می گویند البانی شواهد روایت رو تصحیح کرده اما شواهد چیست؟

دوستان من دقت کنید ، شواهد یعنی اینکه یک روایتی دارای متابعات هست یعنی اینکه یک روایت وقتی دارای قرائن باشد و شواهدی داشته باشد و روایاتی دیگری باشد که روایت ما رو هم منظور کند در این صورت می گوید این روایت شاهد داره

حال اهل سنت برای رد کردن تصحیح البانی می گویند سخنش شواهد داره که حال پاسخ ما به انها

چیست؟

تصحیحات البانی بر او بر اساس شواهد و متابعات هم نیست حال آنکه وقتی البانی می خواهد روایتی رو بر اساس شواهد تصحیح کنه متذکر بر شواهد بودن ان هست

قلت : لكن الحديث صحيح لشاهده المشار إليه أنفا

الكتاب : السلسلة الصحيحة- المؤلف : محمد ناصر الدين الألبانی- ج ۵ ص ۱

۲۱۱۴- (صحیح)

[كان يأمر بتغيير الشيب مخالفةً للأعاجم] . (صحیح لشواهد)

حال آنکه وقتی به تصحیحات ابوهاشم می رسد اصلا سخنی از شواهد نکرده

(سنن ابن ماجه)

۱۵۰۴ حدثنا أبو هشام الرفاعي ومحمد بن الصباح وأبو بكر بن خلاد قالوا حدثنا يحيى بن اليمان عن المنهال بن خليفة عن حجاج عن عطاء عن ابن عباس أن النبي صلى الله عليه وسلم كبر أربعاً .

تحقیق الألبانی :

صحيح الأحكام (۱۱۱)

خوب دقت فرمودید این شبهه پوسیده اقایان هم اصلا و ابدا ارزش علمی نداشته و هزیان و یاوه ای بیش هم نیست

خوب سوال می کنیم اگر ایشون مجروح هست و ضعیفه چطوری روایاتش می شود صحیح؟ چطور روایت کسی که ضعیفه میشه صحیح؟ پس ایشون نزد علما اهل سنت ثقه هست

جالب اینجاست نتنها البانی بلکه بسیاری دیگر از علمای اهل سنت هم روایات او رو تصحیح کرده اند

المكتبة الشاملة - [تراجم الرواة - بحث عادي]

http://www.shamela.ws

بحث مركب عن رواية التهذيب خاصة

وقال مسلمة في " الصلة " ثقة.

4361 - (م ت ق) محمد بن يزيد بن محمد بن كثير بن رفاعة بن سماعة العجلي أبو هشام الرفاعي الكوفي قاضي بغداد

قال الدارقطني في كتاب " الجرح والتعديل " : يتكلمون فيه، وإنما يتكلم فيه أهل بلده.

وضح الترمذي وأبو علي الطوسي، وأبو عبد الله الحاكم، وابن خزيمة، وابن حبان حديثه في صحاحهم.

وقال أبو أحمد الحاكم: ليس بالقوي عندهم، تركه النسائي.

وقال مسلمة: لا بأس به، مات سنة تسع وأربعين وهو على قضاء الجانب الشرقي من بغداد.

الكتاب	النص	مفسر
الطبقات الكبرى ط دار صادر	أبو هشام الرفاعي واسمه محمد بن يزيد بن كثير بن رفاعة بن سماعة من بني عجل من أنصهم	8
الإعلام للزركلي	محمد بن يزيد بن كثير بن رفاعة بن سماعة، أبو هشام، الرفاعي	9
موسوعة آقوال أبي الحسن دارقطني في رجال الحديث وغلله	محمد بن يزيد بن محمد بن كثير بن رفاعة، أبو هشام، الكوفي، الرفاعي	10
تاريخ بغداد وادواره في العلمية	1806 - محمد بن يزيد بن محمد بن كثير بن رفاعة بن سماعة، أبو هشام الرفاعي الكوفي	11
تاريخ الإسلام ت بشر	محمد بن يزيد بن محمد بن كثير بن رفاعة بن سماعة أبو هشام الرفاعي الكوفي	12
لسان الميوزان ت أبي غدة	محمد بن يزيد بن محمد بن كثير بن رفاعة، أبو هشام العجلي الرفاعي الكوفي، القفيلي،	13
لسان الميوزان ت أبي غدة	محمد بن يزيد	14
الكامل تهذيب الكمال	أبو هشام الرفاعي محمد بن يزيد بن رفاعة	15
	4361 - م ت ق محمد بن يزيد بن محمد بن كثير بن رفاعة بن سماعة العجلي أبو هشام الرفاعي الكوفي قاضي بغداد.	16

پس تا اینجا یک توثیق اوردیم و همچنین تصحیح روایات او توسط علمای اهل سنت در ادامه توثیقات و
تعدیل های دیگر هم می اوریم

۸۳۲۶ - [صح] محمد بن یزید [م، ت، ق]، أبو هشام الرفاعي الكوفي.

أحد العلماء.

قال البرقاني: أبو هشام ثقة، أمرني الدارقطني أن أخرج حديثه في الصحيح.

قال أحمد العجلي: لا بأس به.

وقال آخر: صدوق.

الكتاب : ميزان الاعتدال

دوستان در متن بالا دقت کنید بنده سه تعدیل اوردم، حالا شاید دوستانی باشن تازه با این مصطلحات آشنا
شده باشن باید کمی توضیح بدهیم، ببینید در علم رجال ما می گویم یک راوی یا جرح دارد یا تعدیل

جرح یعنی اینکه راوی ضعیف هست

تعدیل یعنی اینکه راوی مورد قبول هست، وقتی گفتیم فلان راوی ضعیفه یعنی مجروحه یعنی روایتش از اعتبار ساقطه

وقتی می گوید فلان راوی دارای تعدیل هست یعنی روایتش مورد قبوله

حالا آنچه در بالا گفته شد ما سه تعدیل برای او ذکر کردیم اول از همه توثیق بوده و بعد دو تعدیل یعنی لا باس به و صدوق حالا اینها ربطش به توثیق چیه؟ ربطش اینه که این دو مرتبه از عواملی هست وقتی بر دو نفر جاری شد می توانیم روایات ان شخص را قبول کنیم، ببینیم ذهنی در این مورد چه می گوید فأعلی العبارات فی الرواة المقبولین:

ثم ثقة صدوق، ولا بأس به

الكتاب : میزان الاعتدال ج ۱ ص ۴

دقت کنید ذهنی می گوید از بهترین عباراتی که می توان در قبول یا مقبول بودن یک راوی بیاوریم لا باس به و صدوق هست یعنی چی اقا؟

یعنی اینکه وقتی گفتیم یک راوی لا باس به هست و صدوق هست می توانید روایات او را قبول کنید و می گوید از بهترین عباراتی که می توان برای یک راوی در جهت قبول روایتش به کار برد همینه

پس تا اینجا شد سه دلیل برای تعدیل و توثیق این راوی حالا توثیق چهارم

همچنین ابن حبان هم در کتاب ثقات خود آورده و دلیل ۵ هم این هست محقق کتاب احمد یعنی آقای احمد شاکر او را توثیق کرده

محمد الرفاعی: لعله "محمد بن یزید، أبو هشام الرفاعی". وهو ثقة،

الكتاب: مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ۲۴۱هـ)المحقق: أحمد محمد شاکر الناشر: دار الحديث - القاهرة - ج ۸ ص ۶۷

اما این تا اینجا توثیق این راوی و رد کردن جرح بر او اما نکته ای کلیدی اینجاس علمای اهل سنت زحمت را از دوش ما برداشتن و تصریح کردن که عمر بن خطاب از فرار کننده گان بوده و اعتراف عالم سید ادله هست و راه فراری برای اقایان نیست

فخر رازی از بزرگترین عالمان اهل سنت می نویسد:

ومن المنهزمين عمر ، الا أنه لم يكن في أوائل المنهزمين ولم يبعد ، بل ثبت على الجبل إلى أن صعد النبي صلى الله عليه وسلم ، ومنهم أيضا عثمان انهزم مع رجلين من الأنصار يقال لهما سعد وعقبه ، انهزموا حتى بلغوا موضعا بعيدا ثم رجعوا بعد ثلاثة أيام .

« از فرار کنندگان عمر بود ؛ ولی او در اوائل فرار کنندگان نبود و خیلی دور نرفته بود ؛ بلکه بر بالای کوه ماند تا رسول خدا به آن جا آمد . و نیز از فرار کنندگان عثمان بود که با دو نفر انصاری به نام سعد و عقبه فرار کرده بودند ؛ آن ها آن قدر دور فرار کردند که برگشتشان سه روز طول کشید . »

الرازی الشافعی، فخر الدین محمد بن عمر التمیمی (متوفای ۶۰۴هـ)، التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۴۲، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م.

اما به نکته اخری هم می ماند که اقایان می گویند ابوهاشم الرظعی یسرق الحدیث هست در پاسخ به انها می گوئیم اولاً ما قبلاً ثابت کردیم که یسرق بودن او ثابت نیست و بر فرض هم ثابت باشه جرح مفسر نیست وثالثاً که راویان بخاری و مسلم و مشایخ و اساتید بخاری و مسلم هم یسرق الحدیث بوده و اگر یسرق بودن راوی را از اعتبار ساقط کند و روایت او را معدوم نماید باید از این به بعد اقایان به صحیح بخاری و مسلم بگویند ضعیف بخاری و مسلم

در ادامه به راویان و اساتید بخاری و مسلم اشاره می کنیم

ابن معین گفت که: اسماعیل بن ابی اویس و پدرش سارق الحدیث بودند

إسماعیل بن أبی اویس وأبوه یسرقان الحدیث

عمدة القاری - العینی - ج ۱ - ص ۸- دار إحياء التراث العربی

ابن عدی در " الکامل فی الرجال " می گوید :

قال احمد بن ابی یحیی سمعت ابن معین یقول : هو و ابوه یسرقان الحدیث

احمد بن ابی یحیی از یحیی بن معین نقل می کند : ابن ابی اویس و پدرش حدیث سرقت می کردند . (میزان الاعتدال ج ۱ ص ۲۲۳)

الاسم : إسماعیل بن عبد الله بن عبد الله بن اویس بن مالک بن أبی عامر الأصبیحی ، أبو عبد الله بن أبی اویس المدنی (ابن أخت الإمام)

الطبقة : ۱۰ : كبار الآخذین عن تبع الأتباع

الوفاء : ۲۲۶ هـ

روی له : خ م د ت ق (البخاری - مسلم - أبو داود - الترمذی - ابن ماجه)

وهمچنین جالبه که مشایخ مسلم هم یسرق الحدیث هست پس نتیجه این شد که کتاب صحیحین از افرادی روایت نقل می کنند که یسرق الحدیث هست و این امری هست عادی نزد علمای جماعت عمریه ان هم متقدمین، حال یا باید صحیحن رو به زباله دانی بیندازند و یا اینکه باید روایات یسرق الاحادیث رو قبول کنند و روایت ابوهاشم الرفاعی را بپذیرند

والسلام